

# پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی

## جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا صارمی

دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

علیرضا رضایی<sup>۱</sup>

دانشیار روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

قاسم ترابی

دانشیار روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ - تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۶)

### چکیده

دولت یازدهم اصول و محورهای سیاست خارجی دولت خود را در چارچوب تعامل سازنده با جهان معرفی نمود. این ایده در پاسخ به دیپلماسی دولت نهم و دهم اتخاذ شد. ایده تعامل سازنده دولت یازدهم دارای اصول و مولفه‌هایی است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که ضمن بررسی ویژگی تعامل سازنده و معرفی سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم، پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی این است که سیاست خارجی دولت یازدهم چه پیامدهایی را بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌ها نشان داده‌اند که رویکردهای تعاملی دولت یازدهم بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تاثیر و نتایج معکوس برای جمهوری اسلامی در سیاست خارجی به همراه داشته است. پیروزی و راهپیمایی دونالد ترامپ به کاخ سفید و تعریف سیاست ایندنا و آزار در قبال ایران و همچنین راه اندازی کارزار فشار حداکثری، خروج از برجام، یارگیری‌های منطقه‌ای در عصر ترامپ به زیان جمهوری اسلامی ایران از جمله جریان‌های عبری-عربی، برقراری نظام‌های تحریم در قالب تحریم‌های ثانویه، رفتارهای پاندولیسیم و سینوسی اروپا در قبال تعهدات برجامی و عدم اتخاذ سیاست جامع از سوی روسیه و چین به عنوان شرکای غیر اروپایی برجام در شکل دهی این نتایج معکوس نقش داشته‌اند. پژوهش حاضر در رهیافت نظری خود از الگوی نظری سازه‌انگاری بهره برده است.

**واژه‌های کلیدی:** دولت یازدهم، سیاست خارجی، سازه‌انگاری، بحران امنیت، تعامل سازنده.

Email: hamnavaz90@yahoo.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۰، صص. ۳۴-۹.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.7.3

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## مقدمه

حسن روحانی رییس جمهوری منتخب دوره یازدهم بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در زمینه ی سیاست خارجی و دیپلماسی دولت خود با صراحت اعلام کرد که به دنبال رابطه و تعامل با کشورهای دنیا بر اساس احترام متقابل است و این اقدام نه تنها به نفع ایران بلکه به نفع همه ی جهان است. با توجه به نگرش ها و جهت گیری ها و همچنین اعلام مواضع حسن روحانی می توان سیاست خارجی دولت او را در گفتمان اعتدال نام گذاری و تفسیر کرد. از منظر گونه شناسی، گفتمان اعتدال در سلک و سنخ گفتمان آرمانگرایی جای می گیرد. گفتمان اعتدال یکی از خرده گفتمان های کلان گفتمان اسلام گرایی است. اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان ها است. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم حرکت واقع بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور می باشد. (گلشن پژوه، ۱۳۹۳: ۹۶)

اصول بنیادین سیاست خارجی متکی بر گفتمان اعتدال دولت یازدهم را باید در مخالفت و ستیز با هر گونه زورگویی، سلطه و تجاوز مخصوصاً تعرض نظامی، تلاش همه جانبه برای پایان دادن به ناآرامی ها، خشونت های فرقه یی و قبیله یی، تنش زدایی، ایجاد اعتماد متقابل و تعامل سازنده دانست. بر این اساس، تعامل سازنده بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک و از موضع برابر، مبنای روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها بوده و بر این اساس جمهوری اسلامی ایران می بایست متناسب با رفتار و برخورد طرف های مقابل در جهت بهبود و ارتقای روابط حرکت می کرد. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

در یک نگاه واقع بینانه دلیل اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده از سوی دولت یازدهم را باید در دو علت اقتصادی و امنیتی ناشی دانست. در علت اقتصادی تحریم های سازمان یافته و هدفمند غرب در زمان دولت نهم و دهم که منجر به فلج شدن اقتصاد ایران شد، علت اتخاذ الگوی تعامل سازنده از سوی دولت یازدهم بوده است. در علت امنیتی

نیز قرار گرفتن ایران در زیر بند هفتم شورای امنیت علت اتخاذ این الگو از سوی دولت یازدهم بوده است. به واقع در دولت نهم و دهم به علت پی گیری فعالیت های هسته ای و همچنین اتخاذ رادیکالیسم تهاجمی در مواضع اعلامی، سبب شد که حرکتی در زیر گفتمان تعامل و اعتدال برای برون رفت از این وضعیت به عمل آید. در واقع اتخاذ تعامل سازنده از سوی دولت یازدهم در پاسخ به رادیکالیسم تهاجمی و بروز بحران امنیتی دولت نهم و دهم بوده است. (الماسی، ۱۳۹۳: ۲۵)

به رغم پژوهش هایی که در حوزه سیاست خارجی دولت یازدهم از سوی پژوهشگران صورت گرفته است، اما به نظر می رسد جای پژوهشی که خواسته باشد، پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین المللی جمهوری اسلامی ایران را مورد مذاقه و بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. به واقع پژوهش حاضر در پاسخ به این نیاز است و تلاش بر آن است که با تحلیل داده ها و یافته ها پاسخ مناسبی به پرسش پژوهش داده شود. با عنایت به موضوع، پرسشی که پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به آن است این است که: به کارگیری رویکرد تعامل سازنده از سوی دولت یازدهم چه پیامدهایی را بر تعاملات بین المللی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ لازم به ذکر است که روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، مشاهده و مطالعه است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو اسناد و مدارک و همچنین جستجو در شبکه های مجازی و اینترنتی انجام شده است. پژوهش حاضر از الگوی نظری سازه انگاری بهره برده است.

### ۱) سازه انگاری چارچوبی برای الگوی نظری پژوهش

مساهمت و تلاش سازه انگاری باز گردانیدن فرهنگ و سیاست های داخلی به عرصه نظریه روابط بین المللی می باشد. سازه انگاری<sup>۱</sup>، واقعیات اجتماعی را نتیجه توافق و باور کنشگران به وجود همین توافقات می داند. (Desler, 1989: 98) برای نیل و رسیدن به

<sup>1</sup>-Constructivism

توافقات یا همان معنا دار ساختن جهان مادی، عوامل فکری یا معنایی، رویه های معنادار و کنش های انسانی نقش دارند. (Adler, 1997: 15) به عبارت دیگر، واقعیات اجتماعی را رویه های معنا دار کنشگران است که برمی سازد. (Onuf, 1989: 25)

به این ترتیب نظریه سازه انگاری نظریه کاربست هنجارها و فرهنگ و هویت در عرصه روابط بین الملل می باشد. این نظریه محور تحلیل ها را از ابزارهای مادی به انگاره ها و اندیشه ها تغییر می دهد. (Reus- Smit, 2005: 47) در واقع این نظریه نظریه ای معناگرایانه است. (Linklater, 2000: 22) افزون بر این، نظریه سازه انگاری به نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل نیز تاکید دارد و تلاش می کند که با رویه های معنا دار فرهنگ و سیاست داخلی را به عرصه روابط بین‌الملل باز گرداند. (Wendt, 1987: 12)

آنگونه که از اولویت ها و برنامه های اعلامی دولت یازدهم پیداست، این دولت رویکرد سیاست خارجی خود را بر مبانی الگوی تعامل سازنده قرار داده است. اصول محوری رویکرد تعامل سازنده بر عناصر و مفروضاتی چون: تنش زدایی، اعتماد سازی، امنیت زدایی محیطی، بهبود پرستیژ در ساختار آنارشیک نظام بین الملل و ارتباط با جهان، هنجار گرایی، همکاری گرایی و دیپلماسی فعال تاکید می کند. از منظر تضمن و دلالت معنا، برنامه های اعلامی و اعمالی دولت یازدهم در سیاست خارجی رویکرد هنجاری دارد و تلاش می نماید که با اتکا به فرهنگ، گفتمان، قاعده، انگاره ها، معانی، ارزش ها، رویه ها را هویت زایی و هویت بخش کند. به واقع تاکید دولت یازدهم بر هنجارگرایی در سیاست خارجی تلاشی برای باز تعریف نظم جدیدی از معنا گرایی است با این هدف که بتواند زمینه را برای استحکام و قوام همکاری های بین المللی در ساختار آنارشیک نظام بین الملل امکان پذیر سازد.

## ۲) ریشه یابی اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با جهان از سوی دولت یازدهم

همانگونه که گفته شد، چارچوب تعامل سازنده از طرف دولت یازدهم در پاسخ و واکنش به چالش های دولت نهم و دهم در عرصه سیاست خارجی به ویژه سیاست هسته ای اتخاذ

شد. چرا که گفتمان اصلی حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم و یازهم بر اساس گفتمان ایدئولوژیک طرح ریزی شده بود. طبیعتاً نگاه ایدئولوژیک هم با تعریف خودی و دیگری در عرصه سیاست خارجی، ضمن مرزبندی با سایر کشورها، چالش های کشور را در عرصه سیاست خارجی افزایش می دهد. دولت نهم خط مشی جدیدی را در خصوص برنامه های هسته ایران در پیش گرفته بود. این خط مشی بر سه پایه اصلی قرار داشت:

الف) توجه به بازیگران جدید و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی  
ب) خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قرار دادن آن در چهار چوب های حقوقی و در دایره آژانس بین المللی بر اساس اسناد چهار گانه (معاهده NPT، اساس نامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی)

ج) قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته ای و از سرگیری بخشی از فعالیت های هسته ای که به صورت داوطلبانه در دوره اعتماد سازی به حال تعلیق در آمده بود. (تراپی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

در واقع، دولت نهم و دهم بر این باور بود که اروپا بر اساس استراتژی گام به گام و یا دفع وقت در پی آن است تا در نهایت حق ایران در دستیابی به فن آوری صلح آمیز هسته ای در هزار توی لابی های مذاکرات گم شود و بنابراین با خارج کردن ابتکار عمل از دست اروپا و غرب باید تعداد دولت های شرکت کننده در مذاکرات آتی را افزایش داد و با تشکیل جبهه شرق در مقابل جبهه غرب و بر اساس استراتژی نگاه به شرق مسیر را به نفع ایران عوض کرد. از طرف دیگر ایران متناسب با همکاری های خود موفق به گرفتن امتیازات لازم نشده و راه آغاز شده با اروپا به تأمین منافع ملی ما منجر نخواهد شد. تحت این شرایط و به دنبال اصرار ایران بر حق دستیابی فن آوری صلح آمیز هسته ای و عدم تحریم غنی سازی اورانیوم، شورای امنیت سازمان ملل با اجماع آراء در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ قطعنامه تحریم های جدید علیه ایران را تصویب نمود. قطعنامه ۱۷۴۷ و قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در زمره این قطعنامه های بوده اند. طبق این قطعنامه ها، کشور های مختلف حق فروش این تجهیزات به ایران را ندارند بلکه ایران هم از فروش تجهیزات نظامی به کشورهای دیگر منع می گردد.

در این قطعنامه دارایی‌های هر شخص حقیقی و حقوقی با ادعای ارتباط با این برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران در خارج از کشور محدود شده بود. اشاره به نام این افراد که عمدتاً از اعضای سازمان‌های نظامی از جمله سپاه پاسداران بودند می‌توانست مشکل غیر مستقیم ارتباط برنامه‌های هسته‌ای ایران با افراد نظامی و در نهایت نظامی بودن ماهیت این فعالیت‌ها را به ذهن مخاطب متبادر نماید. (فرهادی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

به این ترتیب نتایج دیپلماسی هسته‌ای دولت نهم و دهم عزم آمریکا برای رویایی با ایران هسته‌ای بود. در این ارتباط، آمریکا ابزارهایی مانند تحریم، صدور بیانیه قطعنامه مانند: بیانیه شورای امنیت (۱۶۹۶)، قطعنامه (۱۷۳۷)، قطعنامه تحریمی (۱۷۴۷)، قطعنامه تحریمی (۱۸۰۳)، قطعنامه تحریمی (۱۸۳۵)، قطعنامه تحریمی (۱۸۸۷)، قطعنامه تحریمی (۱۹۲۹) و سرانجام قرار دادن ایران در زیر بند هفتم شورای امنیت را برای تغییر رفتار دیپلماسی هسته‌ای فعال دولت نهم قرار داد. (کرمی، ۱۳۹۰: ۷۶)

مزید بر این، دلایل دیگر اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با جهان از سوی دولت یازدهم ریشه در امنیتی شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور در آستانه دولت یازدهم داشته است. در این ارتباط، پروتکل الحاقی، بحران امنیت و تسلیحات هسته‌ای دولت نهم و دهمو جنگ روانی - رسانه‌ای مرتبط با امنیتی شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور در آستانه دولت یازدهم می‌باشند.

در ارتباط با پروتکل الحاقی این مسئله در خور اهمیت بود که رابطه ایران با پروتکل الحاقی از حالت عادی خارج شده است و موضوع رابطه ایران با یک سازمان بین‌المللی یک موضوع امنیتی شده است که توسط آمریکا تعقیب و پیگیری می‌شود تا از طریق آن به فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران جنبه امنیتی بدهد و به بهانه آن دست به اقدامات دیگری بزند. نکته بسیار اساسی این بود که با پیوستن به پروتکل الحاقی حجم وسیعی از اطلاعات مرتبط و غیر مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای به سمت آژانس سرازیر می‌شود و احتمال سوء استفاده دشمنان کشور از این اطلاعات وجود دارد و در پروتکل هم هیچ سازوکاری برای حفاظت از اطلاعات

محرمانه از سوی بازرسان تضمین نشده است. هم آژانس بطور نامحدود اختیار بازرسی دارد و هم کشورها مکلف اند همه اطلاعات را در اختیارشان قرار دهند. از طرف دیگر، بازرسی حق آژانس است. در چنین شرایطی اگر آژانس به وظایف متقابل خود در کمک به کشورها برای دستیابی به انرژی هسته ای صلح آمیز عمل کند، برای کشورهایی که قصد دستیابی به سلاح هسته ای غیر مجاز ندارند، مفید خواهد بود اما آنگونه که برخی پژوهشگران و صاحب نظران گفته اند، برای کشوری مثل ایران که دشمنان آن حتی دستیابی به انرژی هسته ای الکتریسته را هم مجاز نمی دانند الحاق به پروتکل تنها برای این کشور محدودیت و مشکل می آفریند، امنیت ملی و استقلال کشور دچار تزلزل می شود و دشمنان انقلاب به راحتی به همه اطلاعات سرّی دست می یابند. (کلاهیجان، ۱۳۹۰: ۵۲)

در ارتباط با بحران امنیت و تسلیحات هسته ای دولت نهم و دهم مسئله این بود که تحلیل بحران هسته ای عراق، لیبی، کره شمالی در یکسال اخیر می توانست در فهم موقعیت هسته ای ایران مفید باشد. اگر چه بحران هسته ای ایران معلول شرایط سیاسی ناشی از آرمان های انقلاب اسلامی است اما با توجه به مقتضیات جدید آمریکا تلاش داشت که در محاصره قدرت های هسته ای قرار گیرد. (مرادیان، ۱۳۹۰: ۹۷)

در ارتباط با جنگ روانی - رسانه ای مسئله این بود که آمریکا تلاش داشت که با کوبیدن بر طبل ایران هراسی هم منافع خود و هم منافع متحدان خود را در معرض تهدیدات هسته ای و برنامه های موشکی ایران ببیند. در این باره آمریکا به این باور رسیده بود که ایران از رهگذر برنامه هسته ای، هموار یک تهدید دائمی برای تل آویو است و پیوسته برای بر اندازی متحدان واشنگتن تلاش می کند. (متقی، ۱۳۹۳: ۵۶)

### ۳) رویکردهای سیاست خارجی روحانی در تعاملات بین المللی ایران

نیل به شرایط و ویژگی های یک دولت توسعه گرا آنهم با رویکرد تعامل سازنده، عمده ترین هدفی بود که دولت یازدهم در سیاست خارجی به دنبال آن بوده است. بر این اساس

حسن روحانی ضمن تفسیری مبتنی بر تعامل سازنده از اسناد بالا دستی همچون سند چشم انداز بیست ساله، هر گونه تفسیر دیگر در این زمینه را نا صواب ارزیابی کرد. تلاش برای خروج از محور امنیتی شدن، نگاه متفاوت به موضوع هسته ای، مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا، تلاش برای بهبود روابط با اروپا، بهبود روابط با کشورهای همسایه و متوازن نمودن رابطه با چین از ابزارها و مکانیسم‌های اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با جهان در دولت یازدهم در امنیت است. (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

### ۳-۱) تلاش برای خروج از محور امنیتی شدن

امنیتی شدن فرایندی است که طی آن یک کشور بیش از آنکه به عنوان یک پدیده جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شناخته شود عمدتاً به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی می‌گردد. چنین کشوری در عرصه بین‌المللی به عنوان یک تهدید معرفی می‌شود و سایر کشورها تلاش می‌کنند با آن حد اقل رابطه و تعامل را داشته باشند. بر این اساس کشوری که عمدتاً به عنوان پدیده ای امنیتی و تهدیدزا معرفی می‌شود، در تمامی زمینه‌ها به خصوص سیاسی و اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن به شدت افزایش می‌یابد. در این راستا، برخی بر این باورند که طی چند سال گذشته کشور های غربی به رهبری آمریکا تلاش داشته‌اند تا ایران را به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی کنند. آنها به بهانه موفقیت‌های ایران در عرصه هسته ای و همچنین برخی اقدامات در عرصه سیاست خارجی تلاش می‌کنند ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه ای و حتی جهانی معرفی کنند و با طرح این موضوع عملاً زمینه را برای تحریم‌های بیشتر و بالا بردن هزینه‌های ایران فراهم سازند. در این بین بعضی از اقدامات و سیاست‌های دولت نهم و دهم نیز زمینه را برای موفقیت این طرح آماده کرد. (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

در چنین فضایی حسن روحانی ضمن باور به تلاش غرب برای معرفی ایران به عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا یکی از اصول سیاست خارجی خود را تلاش همه جانبه برای از بین بردن این طرح معرفی کرد. به باور حسن روحانی از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتماد

سازی، تنش زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به خصوص از طریق کسب اعتبار می توان ایران را نه به عنوان یک پدیده امنیتی و تهدید زا بلکه به عنوان کشوری صلح طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود. البته حسن روحانی در این زمینه انتقادات گسترده ای نسبت به دولت پیشین نیز داشت. او در این زمینه معنقد بود که موفقیت های غرب در معرفی ایران به عنوان یک کشور تهدید زا تا حدی زیادی به دلیل سیاست ها و اقدامات دولت پیشین است. او در همین زمینه با انتقاد از سیاست های قبلی که زمینه را برای موفقیت سیاست امنیتی کردن چهره ایران به وسیله آمریکا مهیا کرده است، بیان کرد که:

یکی از مهمترین نتایج این رفتار ها، تشدید امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران بوده است که بیش از همه رژیم صیہونیستی از این وضعیت سوء استفاده کرده است. بر اساس قطعنامه های صادر شده علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران مهمترین و اصلی ترین تهدید صلح و امنیت بین الملل معرفی شده است. واقعیت این است که بهترین موقعیت برای آمریکا زمانی فراهم شد که دولت نهم با تغییر گفتمان و نادیده گرفتن ملاحظات شناخته شده سیاسی و بین المللی راهی را بر گزید که به تنش و رویارویی نه تنها با آمریکا که با بخش قابل توجهی از کشور ها از جمله همسایگان منتهی شد. (<http://hasanrohani-ir.blogfa.com/post/33/>)

### ۲-۳) نگاه متفاوت به موضوع هسته ای

شعارهای اعتدالی روحانی، در مقام ریاست جمهوری ایران اسلامی در برخورد با جامعه جهانی و اهتمام او به حل و فصل پرونده هسته ای از یک سو و سابقه او در پرونده هسته ای باعث شد تا در اولین قدم، ایران سطح مذاکره کننده خود را به وزیر امور خارجه ارتقا دهد، این اقدام علامتی بود به گروه ۵+۱ مبنی بر عزم بیشتر دولت ایران به حل پرونده هسته ای. استقبال جهانی از انتخاب روحانی، از عوامل دیگری بود که سبب شد ۵+۱ با گام های مثبت وارد مذاکرات شود. در این راستا باید اشاره نمود که یکی از دلایل برنده شدن حسن روحانی در انتخابات، نگاه متفاوت ایشان به موضوع هسته ای بود. از نگاه حسن روحانی موضوع

هسته ای یک موضوع در کنار منافع دیگر کشور است نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر. به عبارت دیگر مسئله هسته ای در تعامل و کنار سایر منافع ملی ایران از جمله منافع اقتصادی و ضرورت های داخلی و خارجی باید لحاظ شود و طبیعتاً انتظار این است که موضوع هسته ای به گونه ای پیش رود که نه به یک پاشنه آشیل برای فشار خارجی بر ایران بلکه به یک مزیت ملی تبدیل شود. بر این اساس روش های دیپلماتیک و تجربیات موجود در کشور می بایست به شکلی در این حوزه به کار رود که دولت بتواند با تعامل با جهان خارج هم حق بر خورنداری از انرژی هسته ای مسالمت آمیز ایران را حفظ کند و هم بهانه ها برای فشار و تحریم را از دست رقبای بین المللی خارج نماید. بنابر این موضع حسن روحانی در قبال پرونده هسته ای را می توان دفاع از حق ایران در زمینه داشتن انرژی هسته ای در کنار تعامل سازنده با جهان در چارچوب شفافیت بیشتر و کامل تر ارزیابی نمود. حسن روحانی ضمن نقد سیاست خارجی در عرصه هسته ای که نتیجه اصلی آن افزایش فشار ها و تحریم های بین المللی است، خواهان سیاست خارجی معقول و منطقی و دیپلماسی فعال و پویا بود. به باور حسن روحانی ایران می توانست و می تواند ضمن داشتن حق غنی سازی با دیپلماسی و شفافیت بیشتر عملاً فشار ها و تحریم ها را کاهش دهد. حسن روحانی در همین زمینه اضافه کرد: باید بتوانیم اجماع جهانی قدرت های بزرگ علیه ایران را بشکنیم و آن فاصله های لازم را به وجود آوریم و فضای تنفس ایجاد کرده و گام به گام با تحریم های یک جانبه و تحریم های بین المللی مقابله کنیم. به گفته حسن روحانی برنامه وی بعد از اقتصاد و معیشت مردم اصلاح روابط خارجی با دنیا است و این که ایران نباید فکر کند در دنیا دوست و دشمن های دائمی وجود دارد. اصل فناوری هسته ای جز برنامه های توسعه کشوری ما بوده و در چارچوب مقررات بین المللی صورت گرفته است و تنها بخشی که کشور را دچار مشکل کرد، بخش غنی سازی بود که آن هم به دلیل بهانه های غربی ها و آمریکایی ها صورت گرفت. (روحانی، ۱۳۹۱: ۱) روحانی بر این باور بود که می شود این بهانه گیری را از دست کشور های غربی با عقلانیت و تدبیر خارج کرد.

### ۳-۳) مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا

مذاکره با آمریکا یکی دیگر از موضوعات مطروحه در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. البته موضوع مذاکره با آمریکا از همان زمان که روابط ایران و آمریکا به دستور رئیس جمهور آمریکا قطع شد، مطرح بوده است. این مسئله طی سال های گذشته به خصوص در دوران باراک اوباما با طرح موضوع مذاکره دو جانبه جدیت بیشتری گرفته است. از سوی دیگر مقام معظم رهبری نیز عدم مخالفت خود را با طرح موضوع مذاکره با آمریکا مطرح کرده بودند و عملاً فضا برای دولت جهت انجام مذاکره آبرومندانه، منطقی و از موضع برابر فراهم نموده اند. بر این اساس بحث مذاکره با آمریکا تبدیل به یکی از مباحث جدی به خصوص در جریان رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری شد که در این بین حسن روحانی یکی از مهم ترین حامیان مذاکره با آمریکا، البته در صورت وجود پیش شرط هایی بوده اند. ایشان پس از پیروزی در انتخابات در پاسخ به سوالی در این زمینه نکاتی را مطرح نمود که کم و بیش آن را می توان موضع دولت یازدهم درباره رابطه با آمریکا ارزیابی نمود. وی در مورد مذاکره مستقیم با آمریکا بیان داشت:

روابط ایران و آمریکا دارای زخم های عمیق و مزمن است. در سه دهه گذشته مجوز مذاکره و زمینه سازی تجدید رابطه با آمریکا از سوی رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران داده نشده است. سخنان اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر عدم مخالفت ایشان با مذاکره با آمریکا با حفظ خطوط قرمز، زمینه جدیدی را برای دفاع از حقوق حقه ملت ایران در مواجهه دیپلماتیک مستقیم با آمریکا فراهم کرده است. در شرایط کنونی باید شرایط فعلی را به دقت مورد ارزیابی قرار داد و در صورت اقتضا از مذاکره و گفت و گوی دو جانبه با آمریکا پرهیز نکرد. در گام های نخست باید به مذاکره به مثابه بستری برای جلوگیری از شدت یافتن بیش از پیش فشارها و متوقف ساختن روند تحریم های کنونی نگریسته شود و در مراحل بعد باید در پی تعدیل فضا تا حذف کامل تحریم ها پیش رفت. مذاکره به صرف

مذاکره و بدون حصول نتیجه مورد قبول من نیست. برای مذاکره با آمریکا باید دستور کار و هدف مشخصی داشته باشیم. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲: ۱)

### ۳-۴) تلاش برای بهبود روابط با اروپا

تجربه حسن روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی دولت خاتمی نشان می‌دهد که او اعتبار خاصی برای روابط با کشور های اروپایی قائل است. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی حسن روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی ها به نسبت آمریکا موضع نرم تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند که از این موضوع می‌توان در راستای منافع ملی و ایجاد شکاف در روابط یورو-آتلانتیک استفاده کرد. در این زمینه، تجربه حسن روحانی در چارچوب بحث هسته ای نشان می‌دهد که ایشان با آگاهی از این موضوع درصدد بود که از اختلافات اروپا و آمریکا استفاده کند. ضمن اینکه یکی از انتقادات حسن روحانی به سیاست های دولت احمدی نژاد، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به آمریکا با توسل به سیاست تنش‌زا و تهاجمی بوده است. مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. حسن روحانی با آگاهی از نیاز های کشور در حوزه اقتصادی اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده ای اقتصادی در نظر گرفت که می‌تواند با اتخاذ دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده از ظرفیت های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشور ها همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشور های اروپایی در برداشتن تحریم ها موثر خواهد بود، چراکه بسیاری از موانع و محدودیت هایی که بر ایران اعمال می‌شود در دستور و چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست. (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

### ۴-۵) بهبود روابط با کشورهای همسایه

یکی از مهم ترین موضوعاتی که در جریان مصاحبه های حسن روحانی تاکید فراوانی بر آن شده بود، تلاش برای بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشور ها و محافل عربی بود.

حسن روحانی در این ارتباط ضمن انتقاد گسترده از سیاست دولت پیشین که روابط ایران و همسایگان را عمدتاً بر مدار تنش قرار داد و به جای آن روابط با کشورهای آمریکای لاتین را گسترش می داد، خواهان تمرکز و توجه بیشتر بر همسایگان بود. در این زمینه حسن روحانی ضمن ابراز تمایل برای تداوم روابط با کشورهای آمریکای لاتین، تمرکز بیش از حد بر این کشورها و در نتیجه نادیده گرفتن همسایگان را اشتباهی بزرگ ارزیابی نمود. بر این اساس وی نتیجه این سیاست را تنش گسترده با کشورهای همسایه و تبدیل برخی از آنها همچون آذربایجان را به تهدیدی علیه منافع جمهوری اسلامی ارزیابی کرد. حسن روحانی در همین زمینه بیان داشت: سایر همسایگان شمالی هم با درک شرایط ایران و استفاده از موقعیت به تقویت روابط خود با غرب پرداخته و با درجات مختلف از ایران فاصله گرفته اند تا مبادا رابطه آنها با غرب دچار مخاطره شود. در میان آنها، جمهوری آذربایجان بدون اغراق به خطر امنیتی برای ایران تبدیل شده است. (روحانی، ۱۳۹۲: ۱)

بنابراین یکی از اولویت های اصلی سیاست خارجی حسن روحانی بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی بود. در همین زمینه حسن روحانی در پاسخ به سوال خبرنگار شبکه الجزیره در باره رابطه با عربستان بیان داشت: قبله مسلمانان در عربستان است و در دوران ریاست جمهوری خاتمی برای نخستین بار در طول تاریخ وی به نمایندگی از ایران قراردادی امنیتی با عربستان سعودی را به امضا رسانده است. در این راستا پیش بینی می شد با روی کار آمدن دولت یازدهم کشورهای عربی نیز تجدید نظری در روابط خود با ایران داشته باشند. ضمن اینکه حسن روحانی از نزدیکان آقای هاشمی رفسنجانی محسوب می شد و دستگاه سیاست خارجی و افراد فعال هر دو آنها به نوعی روابط خوبی را با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه عربستان داشتند. بر این اساس اعتقاد بر آن بود که به احتمال زیاد گشایش هایی در روابط ایران و عربستان و در نتیجه با توجه به تاثیر گذاری عربستان در جهان عربی با سایر کشورهای عربی صورت خواهد گرفت. ازسوی دیگر انتظار می رفت که بهبود روابط ایران با کشورهای عربی به

کاهش تنش‌هایی که در منطقه وجود دارد کمک کند. از جمله روابط ایران و عربستان می‌توانست به کاهش بحران در کشور های همچون عراق و لبنان و سوریه کمک کند. (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

#### ۴-۶) متوازن نمودن رابطه با چین

یکی از مهمترین محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین رابطه نامتوازن با چین در چارچوب سیاست خارجی نگاه به شرق است. در این راستا بسیاری بر این باورند که طی چند سال گذشته رابطه ایران و چین از دایره توازن خارج شده است و دولت چین با استفاده از شرایط بین‌المللی متشنج ایران عملاً در حال بهره‌برداری یکجانبه از ایران است. در این زمینه به گسترش واردات گسترده از چین اشاره می‌شود که بخشی از تولید داخلی ایران را از بین برده و سایرین را تحت فشار گذاشته است. همچنین به قرار داد های یکجانبه اقتصادی بین دو کشور اشاره می‌شود که طی آنها دولت چین امتیازات گسترده‌ای از ایران گرفته است، ضمن اینکه دولت و شرکت های چینی علی‌رغم انتقادات به موضع آمریکا، عملاً با تحریم های یکجانبه همراهی کرده‌اند و آنگونه که ایران انتظار داشته و دارد عمل نمی‌کنند. در این راستا انتقاد از رابطه نامتوازن با چین یکی از محور های مورد اجماع کاندیدا های ریاست جمهوری از جمله حسن روحانی بود. حسن روحانی پس از انتخابات نیز یکبار دیگر به این موضوع اشاره نمود و در پاسخ به سوالی در این رابطه بیان داشت: در رابطه با چین نکاتی وجود دارد. (<http://www.asriran.com/fa/news/280496>).

#### ۴) نتایج و پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

اگر چه به کار گیری راهبرد تعامل سازنده از دولت یازدهم با توافق هسته‌ای در سال ۱۳۹۲ تا میزانی توانست کشور را از زیر سایه سنگین بحران امنیتی خارج کند و به تبع خود موجب توافق هسته‌ای و گشایش اقتصادی نیم بندی را به همراه داشته باشد، اما رویکرد

های تعاملی دولت یازدهم بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تأثیری و نتایجی معکوس برای جمهوری اسلامی در سیاست خارجی به همراه داشته است. پیروزی و راهیابی دونالد ترامپ به کاخ سفید و تعریف سیاست ایذا و آزار در قبال ایران و همچنین راه اندازی کارزار فشار حداکثری، خروج از برجام، یارگیری‌های منطقه‌ای در عصر ترامپ به زبان جمهوری اسلامی ایران از جمله جریان‌های عبری-عربی، برقراری نظام‌های تحریم در قالب تحریم‌های ثانویه، رفتارهای پاندولیسیم و سینوسی اروپا در قبال تعهدات برجامی و عدم اتخاذ سیاست جامع از سوی روسیه و چین به عنوان شرکای غیر اروپایی برجام در شکل دهی این نتایج معکوس نقش داشته‌اند.

#### ۴-۱) برنامه جامع اقدام مشترک

مهمترین نتیجه و پیامد سیاست خارجی مبتنی بر تعامل دولت یازدهم، تلاش برای شروع مذاکرات و تنظیم برنامه جامع اقدام مشترک بود. دولت یازدهم با اعتقاد به اینکه مساله هسته‌ای یک مساله فنی و دیپلماسی است و باید در سطح کارشناسان حل و فصل شود وارد مذاکرات شد. انتخاب وزیر امور خارجه به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد و ترکیب تیم حاضر در مذاکرات، حاکی از نحوه نگرش شخص رئیس‌جمهور به مساله هسته‌ای و درک اهمیت این موضوع توسط دولت یازدهم بود. در این راستا برنامه جامع اقدام مشترک از نتایج باز دولت یازدهم در تلاش برای خارج کردن کشور از امنیتی شدن کشور بود. برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان منعقد شد. بر اساس این توافق، ایران ذخایر اورانیوم غنی شده متوسط خودش را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند، تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل به مدت ۱۵ سال کاهش می‌دهد. ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های

غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک تک‌ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند محدود خواهد بود. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل خواهند شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق‌نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در نتیجه این توافق‌نامه که تاییدیه پایدار متعهدین آن را به همراه دارد، ایران از شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده (تحریم‌های ثانویه) بیرون خواهد آمد. این دور از مذاکرات برنامه هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ از ظهر روز شنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۱۵، در هتل کوبورگ در شهر وین اتریش با حضور جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران و هیئت‌های کارشناسی دو طرف آغاز شد. ضرب‌الاجل تعیین‌شده زمان این مذاکرات، روز سی‌ام ژوئن تعیین شده بود که سه بار به ترتیب تا سوم، دهم و سیزدهم ژوئیه تمدید گردید. (مهدیان، ۱۳۹۳: ۲۵)

#### ۴-۲) پیروزی و راهیابی ترامپ به کاخ سفید

در ارتباط با پیروزی دونالد ترامپ مسئله این بود که ترامپ با ورود به کاخ سفید فاز جدید از سیاست‌های تقابلی و خصمانه را علیه ایران به کار گرفت. البته رویکردهای خصمانه و سیاست ایذا و آزار ترامپ در مقابل ایران بیشتر برای تخطئه و نادراستی راهبرد باراک اوباما در قبال ایران نیز بود. ترامپ از همان ابتدا نظری مخالف با برج‌ام داشت و حتی در کوران رقابت‌های انتخاباتی در مبارزه با کلینتون گفته بود که در صورت پیروزی و ورود به کاخ سفید او برج‌ام را پاره خواهد کرد. نگاه ترامپ در قبال برج‌ام این بود که توافقی چون برج‌ام ایران را بر سر عقل نیاورده و حتی قادر نخواهد بود که از آمریکا ستیزی، رفتارهای منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی دست بردارد. با پیروزی ترامپ و ورود او به کاخ سفید، سیاست‌های خصمانه ترامپ علیه ایران شدت گرفت. آمریکا بر تحریم‌های ایران اضافه کرد. رژیم صهیونیستی و کنیست که در زمان باراک اوباما از واشنگتن فاصله گرفته بود، در زمان ترامپ به آمریکا نزدیک شد. از طرف دیگر او یک تیم ضد ایرانی متشکل از پمپئو، بولتون و

برایان هوک و نیکی هلی را برای ایران آزاری به خدمت گرفت. تا آنکه ترامپ در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ خورشیدی، رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم‌ها به صورت گذشته را اعلام کرد. برقراری فاز جدید از نظام‌های تحریم، بحران و تنش آفرینی در خلیج فارس و ترور سردار سلیمانی در عراق و جدیدترین آن تمدید تحریم‌های تسلیحاتی از جمله سیاست‌های آزار و اذیای آمریکا در قبال ایران بوده است. (هدایتی، ۱۳۹۸: ۱)

در ارتباط با پارگیری‌های منطقه‌ای در عصر ترامپ به زبان جمهوری اسلامی ایران مسئله آن بود که بسیاری از کشور‌های حوزه خلیج فارس به پیشوایی عربستان ائتلاف‌های جدیدی را در منطقه غرب آسیا به ضرر ایران شکل دادند. حتی آنها خود را مستظهر به حمایت رادیکال و احزاب دست راستی رژیم صیہونیستی کردند. بروز و ظهور جریان‌های عبری-عربی محصول سیاست‌های این دوران ریاض در مقابل ایران است. آنگونه که از افق نگرش محافل دنیای عرب در این دوران پیدا بود، این محافل با جایگاه یابی منطقه‌ای ایران سر عناد دارند و آن را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند. به همین خاطر است که مقامات دفاعی و امنیتی محافل عربی در مصاحبه‌های رسانه‌ای و ادبیات دیپلماتیک خود دائم از عبارتی به نام تهدید ایران استفاده می‌کنند. این وضعیت به معنای کنش مقابله‌جویانه و همچنین به عنوان نشانه‌های پسینی‌الگوی تقابلی محافل عربی با ایران است. (متقی، ۱۳۹۸: ۱۲)

اما راهیابی محمد بن سلمان به زنجیره قدرت عربستان اوج سیاست‌های تقابلی ایران با عربستان را به نمایش می‌گذارد. در واقع با ورود بن سلمان به معادلات قدرت عربستان، رقابت‌های عربستان و ایران ماهیت هویتی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی پیدا کرد که همراه با نشانه‌های چون تهدیدات پر شدت، فراگیر و گسترش‌یابنده است. در چنین فرایندی محمد بن سلمان تلاش می‌کند تا از طریق ائتلاف‌های امنیتی و راهبردی و همچنین سازماندهی گروه‌های اپوزیسیون در قالب گروه‌های تکفیری و سلفی، محدودیت‌های بیشتری علیه ایران ایجاد نماید. در این ارتباط تهدیدات پر شدت محمد بن سلمان در قالب راهبرد توسعه بحران، بهانه‌یابی، جنگ نیابتی، بحران‌سازی دیپلماتیک و قطع روابط سیاسی با

ایران پیگیری می‌شود. شکل‌گیری مثلث جدید ترکیه، عربستان و رژیم صیہونیستی بارزترین نماد تهدیدات پر شدت محمد بن سلمان است. همانگونه که محمد بن سلمان اخیراً اعلام کرده بود، در زمان صدارت او هم پروژه عادی سازی روابط با تل‌آویو از سر گرفته می‌شود و هم روابط با آنکارا به جهت محق و مهار ایران ارتقا می‌یابد. مقامات سعودی به ویژه محمد بن سلمان بر این اعتقادند که اگر قدرت راهبردی ایران از طریق ائتلاف با تل‌آویو و یا واشنگتن واپایش و مهار نشود، زمینه برای گسترش قدرت راهبردی ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل است که مقامات سعودی تلاش دارند که از راهبرد موازنه سازی برای مهار قدرت و نفوذ ایران استفاده کنند. در همین ارتباط راهبرد همراه سازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به منظور جایگاه‌یابی عربستان در مناسبات منطقه انجام می‌شود. بنابر این راه‌اندازی جنگ نیابتی مهمترین ابزار برای نیل به جایگاه یابی و بازیابی نقش در منطقه بوده است. واقعیت آن است که عربستان در زمره بازیگران جنگ نیابتی آمریکا در منطقه ایفای نقش می‌کند و عربستان هر گونه نقش یابی در منطقه را در مقابله با ایران و بیشتر بر اساس واقعیت‌های محیط منطقه‌ای انجام می‌دهد. به این ترتیب و در سایه ضرورت و تحقق این راهبرد‌ها است که جایگاه محمد بن سلمان در ساختار قدرت عربستان تقویت شده است. (هرسنی، ۱۳۹۷: ۱)

#### ۴-۳) برقراری نظام‌های تحریم در قالب تحریم‌های ثانویه

ترامپ پس از خروج از برجام در ماه مه ۲۰۱۸، تحریم‌های شدیدی را علیه بخش انرژی ایران در نظر گرفته که بیشتر آنها تحریم‌های اولیه هستند و به مسدود کردن اموال و ممانعت از انتقال محموله‌های تجاری منجر می‌شوند و شهروندان و شرکت‌های آمریکا را از معامله با ایران باز می‌دارند. اما برخی از این تدابیر با اعمال تحریم‌های «خارج کشوری» یا «ثانویه» همراه خواهند بود که به معنای اعمال جریمه علیه شرکت‌های کشور ثالث هستند که با بخش انرژی ایران تعامل دارند. این تحریم‌ها می‌توانند به جریمه شدن آن دسته از شرکت‌های خارجی مرتبط با ایران منجر شوند که با نهادهای مالی آمریکایی نیز در

ارتباط هستند. از جمله کشورهایی که به صورت بالقوه تحت تاثیر تحریم های ثانویه قرار می گیرد، هند است که یکی از واردکنندگان بزرگ نفت خام ایران محسوب می شود. در واقع آمریکا در اعمال تحریم های ثانویه، خرید نفت خام ایران را نیز هدف گرفته است. (موسسه تحقیقاتی آبرور، ۱۳۹۸: ۲)

#### ۴-۴) رفتارهای پاندولیسیم و سینوسی اروپا در قبال تعهدات برجامی

سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان به عنوان تروئیکای اروپایی برجام از زمان خروج آمریکا از برجام به جهت هراس از مجازات آمریکا در معادلات تجاری و همچنین تعقیب منافع خود، رفتاری پاندولیسیم و شناوری را از خود نشان داده اند. آنها حتی همسو با آمریکا با رفتار های منطقه ای و همچنین برنامه موشکی موافقتی ندارند و آن را تهدیدی جدید برای منافع خود می دانند. در واقع آنها رفتار های منطقه ای و برنامه موشکی ایران را عامل اصلی اختلال در نظم ژئوپولیتیکی در منطقه و سپس بی عملی در راه اندازی کانال مالی یا همان اینستکس و در دوران اخیر عاملی برای اجرایی سازی مکانیسم ماشه علیه ایران می دانند. در حالیکه تروئیکای اروپایی برجام می بایست به جای همسویی با واشنگتن حافظ برجام آنهم در قضیه برجام آزاری آمریکا باشند. (مجلسی، ۱۳۹۸: ۱)

#### ۴-۵) عدم اتخاذ سیاست جامع از سوی روسیه و چین به عنوان شرکای غیر اروپایی برجام

ایران و چین و روسیه به عنوان کشور های مهم و تاثیرگذار در نظام بین الملل، منافع و اهداف مشترکی برای گسترش همکاری هادرحوزه های مختلف دارند و آنچه روابط این کشور ها را تاکنون در وضعیت پایدار حفظ نموده همکاری براساس مدل نیاز - فرصت مشترک بوده است. بر این اساس و تحت فضای پس از اجرایی شدن برجام نیز این کشور ها باتوجه به نیازهای واقعی و دلایلی چون وفاداری چین و روسیه به ایران در شرایط سخت تحریم ها، تداوم بی اعتمادی ایران به عرب، الزامات اقتصادی متقابل، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای چین و روسیه، لزوم مقابله با افراط گرایی، تروریسم و بنیادگرایی

و همچنین مخالفت بانظم موجود بین المللی و یکجانبه گرایی ایالات متحده و استفاده از فرصت های به وجود آمده، خصوصاً آنکه برقراری ارتباط عمیقتر دو کشور و اکنش تند سیاسی قدرت های غربی را در پی نخواهد داشت، سطح مناسبات خود را ارتقا بخشیدند و روابطی مبتنی بر مشارکت جامع راهبردی برقرار کردند. همچنین همکاری های دوجانبه چین و ایران و ایران و روسیه را در حوزه های سیاسی، اجرایی، انسانی و فرهنگی، قضایی، امنیتی - دفاعی و همچنین امور منطقه ای و بین المللی توسعه دادند و چشم انداز درازمدتی در زمینه روابط دوجانبه، منطقه ای و بین المللی ترسیم کردند. اما در کنار این واقعیت ها، ملاحظات مهمی وجود دارد که نیاز است کشور ایران در ارتباط و مناسبات خود با کشور چین آنها را مد نظر قرار دهد و آن این مسئله می باشد، که چین کشوری متمایز در نظام بین الملل است که به طور اصولی به دنبال متحد استراتژیک در دنیا نمی گردد. آنها فرض دارند که قدرتشان به تنهایی می تواند تمام مسائل آنها را حل کند. بنابراین، بیشتر به دنبال همکاری استراتژیک بر اساس مدل برد - برد می گردند. بر این اساس در همکاری و مشارکت با این کشور باید همیشه رفتاری متعادل داشت و سعی نمود از فرصت های به دست آمده ابتدا در جهت متوازن نمودن مناسبات و سپس سود بردن از آن به نفع خود بهره برد که فضای پسابرجام، دست ایران را در این زمینه باز گذاشته است. (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۴: ۵۹) با این وجود به نظر می رسد که چین و روسیه هم به جهت در نظر گرفتن منافع خود در همراهی با ایران، هرازگاه با ساز مخالف خود در زمین آمریکا بازی می کنند و اعتمادی به رفتار آنها در همراهی با ایران نیست. به این ترتیب نمی توان گفت که رابطه ایران و چین و رابطه ایران و روسیه در پسابرجام استراتژیک است. (بهشتی پور، ۱۳۹۸: ۵)

#### ۴-۶) نتایج سیاست خارجی مبتنی بر تعامل دولت روحانی بر اقتصاد ایران

اقتصاد ایران در پی خروج آمریکا از برجام بدترین شرایط اقتصاد ایران بعد از انقلاب را تجربه می کند. تورم افسار گریخته، بیکاری، رکود، گرانی، بحران ارزی و بحران سکه، گرانی مسکن همه از نتایج رویکرد تعامل حسن روحانی در سیاست خارجی است. (لیلاز، ۱۳۹۸: ۱)

از طرف دیگر، واقعیت پیدای و پنهان عرصه اقتصاد نشان می دهد که نه تنها رویکرد های روحانی و تیم اقتصادی گشایشی را در عرصه اقتصاد به همراه نداشته، بلکه قرار نیست که برنامه کارا و موثری برای ثبات و سامان اقتصاد کشور عرضه شود. عمق تراژیک بودن وضعیت اقتصاد آنجاست که قیمت سکه و ارز، قرار نیست خود را با سیاست های دستوری بانک مرکزی مطابقت دهد. دولت سیاست منفعلانه ای در شناسایی و مجازات عاملان بازار سکه ارز اتخاذ کرده و به جای حل اساسی و بنیادی معضلات اقتصادی به جابجای مدیران اقتصاد بسنده کرده است. در این میان برخی هم صحبت از یوان و روپیه به عنوان آلترناتیو دلار سخن به میان آورده اند. ارزش پول کشور سقوط کم سابقه ای را تجربه می کند. قیمت نازل ترین خودرو ها از مرز ۷۰ میلیون عبور کرده است. کالا ها و اقلام اساسی روز به روز نایاب می شوند. سفره مردم کوچکتر و قدرت خرید مردم پایین آمده است. قیمت برخی از اجناس ضروری از ۵۰ تا صد درصد افزایش یافته است. بحران های اقتصادی در قالب اعتصابات و اعتراضات و همچنین بحران های زیست محیطی مانند خشکی دریاچه ها، کم آبی و خطر ریزگرد ها روز به روز فصل تازه ای از مشکلات را برای کشور ایجاد می کنند و در مجموع وضعیت موجود نشان دهنده آن است که امیدی به گشایش اقتصادی و بهبود وضعیت نیست. گویی دولت او ماموریت دارد که ناامیدی را به جامعه پمپاژ کند. البته این دست از مشکلات رو تزاید همه ماجرای تراژیک و غمبار وضعیت اقتصاد نیست. روحیه عافیت طلبی برخی از دولت مداران او به تراژیک بودن وضعیت افزوده است. برای نمونه رئیس سازمان و برنامه و بودجه او به گونه ای از وضعیت اقتصاد کشور گزارش می دهد که گویی اقتصاد کشورش شبیه اقتصاد کشور های اسکاندیناوی است. معاون او به جهت نا محقق بودن وعده ها یا همان وعده های سر خرمنی خیلی دیر به دیر در رسانه ها ظاهر می شود. عملکرد برخی از وزرای کشورش ضعیف و نامطلوب است که مجلس چاره ای جر استیضاح آنها ندارد. برخی از آنها با وجود هفت سال از عمر دولت روحانی، خیلی تمایل دارند که این مشکلات به سیاست های دولت قبل حواله دهند. وزیر بهداشت و درمان او که

روزگاری جز سه وزیر برتر کابینه او بود، در پاسخ به تقاضاها و مطالبات درمانی سخن از ناتوانی و عجز کرده است و با ادبیات نه چندان زیبا بر زخم‌های مردم نمک می‌پاشد. برای دولتی که با شعار تغییر و امید بر سر کار آمده است، این گونه مشکلات یک شکست محسوب می‌شود و مفهوم آن چیز جز رخنه در حصار ایمان و سو استفاده از اعتماد مردم نیست. یادمان باشد که روحانی در اوان از سرگیری توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ گفته بود که در کنار چرخ سانتیفریوژ چرخ اقتصاد نیاز باید بگردد، لذا لازم است که برای چرخش چرخ اقتصاد سیاست باید به اقتصاد یارانه پردازد، اما گویی تغییری ایجاد نشده و کماکان این اقتصاد است که به سیاست یارانه می‌پردازد و قربانی جزر و مد‌ها و هژمونی آن می‌شود. حال در این میان و در شرایطی که اقتصاد کشور بدترین شرایط عمر خود را سپری می‌کند، باید دید که روحانی چگونه می‌تواند اقتصاد کشور را به ثبات و سامان مطلوب مورد انتظار مردم برساند؟ با شرایطی که در عرصه اقتصاد کشور جاری و ساری است به نظر نمی‌رسد که او و تیم اقتصادی‌اش به توفیقی دست یابند. شاید روحانی در سیاست برنده باشد اما در قطعا در اقتصاد بازنده بوده و تیم فشل اقتصاد او نتوانست گره از کار فروبسته اقتصاد پر معضل کشور باز کند. (هرسنی، ۱۳۹۷: ۱)

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش گفته شد که چارچوب تعامل سازنده از طرف دولت یازدهم در پاسخ و واکنش به رادیکالیسم دولت نهم و دهم در عرصه سیاست خارجی به ویژه سیاست هسته‌ای اتخاذ شد، چراکه رویکرد‌های دولت نهم و دهم در سیاست خارجی منجر به بحران امنیت و سایه آن بر کشور بوده است. در همین ارتباط گفته شد که تلاش برای خروج از محور امنیتی شدن، نگاه متفاوت به موضوع هسته‌ای، مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا، تلاش برای بهبود روابط با اروپا، بهبود روابط با کشور های همسایه و متوازن

نمودن رابطه با چین از ابزارها و مکانیسم‌های اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با جهان از سوی دولت یازدهم بوده است. رویکرد‌های تعاملی دولت یازدهم بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تأثیری و نتایجی معکوس برای جمهوری اسلامی در سیاست خارجی به همراه داشته است. پیروزی و راهیابی دونالد ترامپ به کاخ سفید و تعریف سیاست ایذا و آزار در قبال ایران و همچنین راه اندازی کارزار فشار حداکثری، خروج از برجام، یارگیری‌های منطقه‌ای در عصر ترامپ به زیان جمهوری اسلامی ایران از جمله جریان‌های عبری-عربی، برقراری نظام‌های تحریم در قالب تحریم‌های ثانویه، رفتارهای پاندولیسیم و سینوسی اروپا در قبال تعهدات برجامی و عدم اتخاذ سیاست جامع از سوی روسیه و چین به عنوان شرکای غیراروپایی برجام در شکل دهی این نتایج معکوس نقش داشته‌اند. به نظر می‌رسد که نظام جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تداوم نتایج دولت یازدهم و دوازدهم، الگوی واقع‌گرایی را جایگزین الگوی تعاملی دولت یازدهم کند.

در پایان چند پیشنهاد ارائه داده می‌شود:

- ۱) کاربست سازه‌انگاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به برداشت دولت‌های از مقتضیات سیاست خارجی کافی نیست و جمهوری اسلامی ایران نیز باید واقع‌گرایی را نیز پشتوانه سیاست خارجی خود کند،
- ۲) جمهوری اسلامی ایران باید هرگونه مبانی سیاست خارجی خود را بر اساس محاسبه سود و زیان تنظیم کند و با محاسبات آن موجب تضمین نتایج مطلوب در سیاست خارجی گردد،
- ۳) بهتر آن که جمهوری اسلامی ایران برای نتیجه‌بخش بودن رویکرد تعاملی خود در سیاست خارجی، از حجم‌نهاد‌های موازی در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بکاهد،
- ۴) بهتر آن که جمهوری اسلامی ایران برای نتیجه‌بخش بودن رویکرد تعاملی خود از رفتارهای تنش‌آمیز در رفتارهای منطقه‌ای پرهیز کند،
- ۵) جمهوری اسلامی ایران باید با تنش‌زدایی در سیاست خارجی، اعتماد کشور‌های هم‌زمن را برای نتیجه‌بخش بودن سیاست خارجی همراه خود کند.

**منابع:**

- ترابی، طاهره (۱۳۸۷). دیپلماسی هسته ای دولت نهم و دهم، **مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم**، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق. صادق.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱). **امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای**، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۰). نتایج دیپلماسی هسته ای دولت نهم و دهم، تهران، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۹۰). **سیاست هسته ای دولت نهم و دهم و پروتکل الحاقی**، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۳). **اصول کلی بر گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم**، تهران، معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۰). **بحران امنیت و تسلیحات هسته ای دولت نهم و دهم**، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدیان، محمد حسین (۱۳۹۳). **نتایج حاصل از دولت یازدهم در تلاش برای خروج کشور از امنیتی شدن**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امیری، مهدی (۱۳۹۴). **نتایج حاصل از دولت یازدهم در تلاش برای بهبود روابط با اروپا، فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره ۲۸.
- بلوچی، حیدر علی (۱۳۹۴). **نتایج حاصل از دولت یازدهم در بهبود روابط با کشور های همسایه، فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره ۲۸.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۵). **نتایج حاصل از دولت یازدهم در مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا، فصلنامه عملیات روانی**، سال ششم، شماره ۲۳.
- خرمی، محمد امین (۱۳۹۴). **نتایج حاصل از دولت یازدهم در نگاه متفاوت به موضوع هسته ای، فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره سوم.
- رضائی، علیرضا و ترابی، قاسم (۱۳۹۲). **سیاست خارجی دولت روحانی: تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، شماره پانزدهم.

- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۴). نتایج حاصل از دولت یازدهم در متوازن نمودن رابطه با چین، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هشتم، شماره ۲۸.
- فرهادی، محمد (۱۳۸۶). **دیپلماسی هسته ای دولت نهم و دهم**، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه ای جمهوری اسلامی، **پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل**، شماره چهارم.
- الماسی، احسان (۱۳۹۳). امنیت و اقتصاد در سیاست خارجی دکتر روحانی، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره دوازدهم.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۳). ایران و آمریکا، **نامه دفاع**، شماره ۴، مرکز مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۸). ایران و عربستان، **نامه دفاع**، شماره ۵، مرکز مطالعات راهبردی.
- بهشتی پور، حسن (۱۳۹۸). رویکرد های سلبی و ایجابی روسیه در برجام، **سامانه دیپلماسی ایرانی**.
- دیپلماسی ایران (۱۳۹۲). مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا، **سامانه دیپلماسی ایرانی**.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۸). **اقتصاد ایران پسا برجام**، مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- مجلسی، فریدون (۱۳۹۸). رفتارهای پاندولیسیم و سینوسی اروپا در قبال تعهدات برجامی، **سامانه دیپلماسی ایرانی**.
- موسسه تحقیقاتی آبرور (۱۳۹۸). آن سوی خروج امریکا از برجام، **دیپلماسی ایرانی**.
- هدایتی، محمد (۱۳۹۸). ایران در نگاه سیاست خارجی ترامپ، **سامانه دیپلماسی ایرانی**.
- هرسنی، صلاح الدین (۱۳۹۷). ایران در نگاه محمد بن سلمان، **سامانه دیپلماسی ایرانی**.
- هرسنی، صلاح الدین (۱۳۹۷). آقای روحانی در اقتصاد نیز برنده باشید، **روزنامه جهان صنعت**، پنجشنبه، پنجم مهر، شماره ۱۰۹۵.

- Adler, Emanuel (1997) "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics," *European Journal of International Relations* 3, 3: 319-63.
- Dessler, D. (1989) "What is at Stake in Agent-Structure Debate?" *International Organization* 43, 3: 441-73.
- Linklater, Andrew. (2000) *Key Concepts in Political Science: International Relations*. London and New York: Routledge
- Onuf, Nicholas (1989) *World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*. Columbia, SC: University of South Carolina Press.
- Reus-Smit, Christian (2005) "Constructivism," in Scott Burchill, Andrew Linklater, Richard Devetak, Jack Donnelly, Matthew Paterson, Christian Reus-Smit and Jacqui True, *Theories of International Relations*.
- Wendt, A. (1987) "Agent-Structure Problem in International Relations Theory," *International Organization*. 41-3 (summer):335-70.